

آسیب شناسی آموزش هنر در مدارس

نقدی بر گفت‌وگوی «تخصص، گمشده‌ی درسی هنر»

علی محسنی / کارشناس هنرهای تجسمی، دبیر هنر نیشابور

اشاره

رشد آموزش هنر از این که دبیران هنر آن را می‌خوانند، خوشنود است و خوشنودتر از این که معلمان هنر با مطالعه مقاله‌ها و گفت‌وگوهای مندرج در مجله به نوشتن رومی‌آورند. این تغییر نگرش برای سهیم کردن همکاران فرهنگی در سرنوشت و اعتلای درس هنر گامی ارزشمند و امیدوارکننده است.

رشد آموزش هنر بر این باور است که در هیچ مقاله یا گفت‌وگویی حرف آخر و آخرین حرف زده نمی‌شود. لذا باب مناظره‌های مکتوب هنری برای انتقال آموزه‌ها و تجربه‌ها همچنان گشوده است و معلمان و صاحب‌نظران هنر باید در این عرصه بیشترین سهم را در انجام وظیفه تربیتی خود داشته باشند.

در شماره گذشته (۲- زمستان ۱۳۹۱) گفت‌وگویی با عنوان «تخصص، گمشده‌ی درس هنر» در قالب نشست صمیمی با حضور همکاران محترم در دفتر آن نشریه به چاپ رسیده بود. ضمن تشکر از شما به خاطر این حرکت ارزشمند و قابل توجه، و همکاران محترم که مشکلاتی را دلسوزانه بیان کرده‌اند لازم دیدم که مطالبی را در نقد دیدگاه‌های مطرح شده، در قالب یک مقاله تقریباً تحلیلی مطرح کنم.



مقدمه

امروز پای صحبت و درد دل هر معلم هنری که بنشینیم، سینه‌اش را مملو از فریادهایی می‌یابی که پژواک آن‌ها از چهار دیواری منطقه محل خدمتش فراتر نرفته است. نمونه این مورد گفت‌وگویی بود که در آن به مشکلاتی در مقاطع مختلف تحصیلی اشاره شده بود.

در تحلیل این گفت‌وگو، در فصل اول مطالب همکاران را بسط داده و مواردی را به آن‌ها افزوده‌ام. در فصل دوم هر بخش نقد و دیدگاه‌های خود را در رابطه با آن مطرح کرده و راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی را ارائه داده‌ام.

کلیدواژه‌ها: معلم هنر، دانش‌آموز، تربیت هنری، کتاب، خلاقیت

فصل اول - آسیب‌شناسی هنر در مدارس^۱

۱. عوامل فیزیکی

سنگینی مطالب کتاب و عدم تناسب آن‌ها با سن دانش‌آموزان، مشکلات محتوا و مطالب، تصاویر، و جلد از جمله مشکلات کتاب است که همکاران محترم بیشتر به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

کمبود فضای آموزشی شامل کارگاه هنر، نبود حداقل لوازم و تجهیزات کارگاهی، فقر منابع اطلاعاتی همچون سی‌دی‌ها و کتب هنری در آموزشگاه را می‌توان از دیگر عوامل فیزیکی تأثیرگذار دانست.

از طرفی، معلم هنر حق دارد ابزارها و برنامه‌های کارآمدی در اختیار داشته باشد تا از حرفه‌اش لذت ببرد. دانش‌آموزان نیز حق دارند - مثل سایر دروس - از حداقل امکانات و برنامه‌های هنری بهره‌مند شوند.

۲. عوامل انسانی - بخشنامه‌ها، توصیه‌ها و دستورهای سازمانی

از جمله مسائلی که اکثر مدرسان و دبیران محترم در مسیر آموزش هنر از آن یاد کرده‌اند، کم‌توجهی و کم‌لطفی مدیران محترم بعضی از مدارس و حتی در مواردی معلمان سایر دروس است.

از طرفی، بخشنامه‌ها و توصیه‌هایی که از نوک هرم سازمانی به پایین سرازیر می‌شود و در بسیاری از موارد موقعیت‌سنجی نشده و کارشناسی لازم روی آن صورت نگرفته است، از دیگر مشکلاتی است که در گفت‌وگوی همکاران دیده می‌شود.

فصل دوم - چالش‌ها و فرصت‌ها

آنچه در فصل اول آمده، تنها بخشی از مشکلات و موانع فراوری آموزش هنر در مدارس است که در همه نشست‌ها و جلساتی که به نوعی با تعلیم و تربیت هنری ارتباط دارند،

بارها تکرار شده است.

اما اجازه بدهید اکنون که این مسائل به صورت اجتناب‌ناپذیری گریبان آموزش هنر را گرفته و حل آن‌ها در کوتاه‌مدت خارج از حیطه قدرت ما معلمان هنر است، آن را به نوعی به فرصت تبدیل کنیم و راه را برای رشد صحیح استعدادها هموارتر سازیم.

ضمن قبول آنچه همکاران محترم به عنوان واقعیت‌های موجود بیان کرده‌اند، به این حقیقت نیز سخت معتقدیم که اگر زاویه نگاهمان را کمی تغییر دهیم، نظرم‌ان درباره بسیاری از مشکلات ظاهری تغییر می‌کند.

کتاب

همان‌طور که می‌دانید، کتاب معرف سازوکار آموزشی است و محتوای آن مسیری روشن را برای معلم و دانش‌آموز تعریف می‌کند که از یک نقطه به نقطه نهایی قابل دیدن است. این در حالی است که میان مطالب کتاب هنر موجود چنین ارتباطی دیده نمی‌شود و این بدان معناست که ما در آموزش هنر سازوکار آموزشی لازم را نداریم؛ مسئله‌ای که در کشورهای دیگر با عنوان روش آموزش به روشنی مطرح شده است.

و اینک با وجود تمام این مشکلات، چند سؤال جدی نیز پیش می‌آید:

- مگر نه این‌که هر زمان برای سایر دروس بحث کارگاه، فعالیت‌های خارج از کلاس، پژوهش‌های آزاد، کلاس‌های مباحثه‌ای، کار گروهی، کلاس پویا و... پیش می‌آید، همکاران دقیقاً کتاب درسی را بزرگ‌ترین مانع در این زمینه‌ها می‌دانند؟

- مگر نه این‌که در کشورهای توسعه یافته دنیا، سیستم کتاب‌محوری (منظور کتاب درسی) به حداقل رسیده و جای خود را به روش‌های نوین داده است؟

- مگر نه این‌که همه ما از کوله‌بار سنگین و پر از کتاب درسی و کمک درسی فرزندانمان در هر صبح و ظهر گلایه داریم؟

برحسب ارزش‌های

اسلامی، هنر هرگز

نمی‌تواند مقصد

سفر تلقی گردد

بلکه همواره

مرکب سفر است

مدارس هنر را حذف می‌کنند و به جای آن دروس دیگر در ساعت هنر تدریس می‌شود. متأسفانه در برخی مدارس که معلم هنر نیز دارند، این اتفاق می‌افتد؛ چرا؟ چون معلم هنر نتوانسته است احساس نیاز به هنر را در مدیریت مدرسه و متعاقب آن سایر معلمان و حتی دانش‌آموزان به وجود بیاورد و به این ترتیب، مجوز حذف این درس را صادر کرده است. پس از گذشت سال‌ها، هنوز برخی همکاران هنر به این باور نرسیده‌اند که دانش‌آموزان راهنمایی قرار نیست نقاش، خوشنویس یا گرافیک‌ساز شوند. مسلماً یکی از دلایل وجود چنین نگاهی این است که تقریباً تمامی واحدهای درسی دانشجویان در دوران تحصیل در مراکز تربیت معلم، در جهت ارتقای توانایی‌های علمی و عملی خود آنان است تا روش‌های تدریس و هنرآموزی.

وجود مشکلات آموزشی هنر بر هیچ‌کس پوشیده نیست ولی با همه این‌ها، مسئله بودن یا نبودن مطرح است که این دو نمی‌توانند در عرض هم قرار بگیرند. **هنر در مدرسه هست، معلم هنر و دانش‌آموزان نیز هستند، پس باید پویا و پایا بود. به علاوه، آنچه نیست و نیست کتاب است و باز این یک فرصت است.**

ضعف یا نبود کتاب، فرصتی برای معلمان خلاق

اگر کتاب هنر محور آموزش هنر باشد، این یک ضعف بزرگ



و مگر نه این که کتاب، آموزش هنر را به توصیه‌محوری دعوت می‌کند و این فرایند دستوری، نمی‌تواند بستر ساز رشد خلاقیت‌های دانش‌آموزان باشد؟ بی‌شک به دنبال اصلاح یا تدوین کتاب جدید هنر، بودجه‌بندی، امتحان، انتظارات مدیر، اولیا، دانش‌آموزان و... معلم هنر را نیز همچون سایر معلمان، هدف قرار می‌دهد.

تغییر نگرش

همان‌طور که در صحبت‌های مدرسان هنر آمده بود، امروز برخورد با هنر، برخوردی غیردرسی است. یقین بدانید اگر غیر از این باشد، شما علاوه بر مشکلات امروز، موارد ذکر شده فوق را نیز خواهید داشت؛ چرا که دیدگاه مدیریتی، دیدگاه غیرهنری است و نظام بخشنامه‌ای صرف و وظیفه‌محور (نه فرایندمحور) نمی‌تواند جز به تأمین و تدارک ورودی‌ای بیندیشد که الزاماً به خروجی‌های حتمی و قطعی منجر می‌شود و در واقع، به لطایف فطری و آفرینشی خاص انسان - که هدف هنر است - توجهی ندارد.

می‌دانیم که اصلاح و بهبود امور، مبنای بروز خلاقیت و نوآوری است. خلاقیت و نوآوری نیز به‌صورت ناگهانی و خودجوش اتفاق نمی‌افتد و نیازمند بسترهای نظری و عملی اندیشیده و مناسب است. برای هر چه پویاتر شدن جامعه، ابتدا باید سازمانی را که مسئول ایجاد تحول و پویایی در وجود نسل‌های آینده است، متحول کرد تا جامعه آمادگی لازم را برای تحول به‌دست آورد. خداوند هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد، مگر آنکه آنان در خود تغییری بدهند. (سوره رعد - ۱۱)

معلم خلاق

تحول در امر آموزش - به‌ویژه آموزش هنر که در اینجا مدنظر است - مستلزم تغییر و اصلاح دیدگاه نیروی انسانی است که متعاقب آن روش‌ها نیز تغییر خواهند کرد. من معتقدم که اینجا هرم برعکس است؛ به این معنی که اگر نوع نگاه معلم هنر نسبت به حیطة کارش متحول شود، او خود می‌تواند نوع نگرش مدیر، همکاران، دانش‌آموزان و حتی اولیا را نیز نسبت به آموزش هنر تغییر دهد.

متأسفانه آموزش هنر در کشور ما در سطحی پایین‌تر از حد خود ارائه می‌شود. معلمان هنر بسیاری را سراغ داریم که فقط هنرمندان خوبی هستند؛ در حالی که بین معلمی هنر و هنرمند بودن تفاوت زیادی هست. هنرمند بودن برای معلم هنر بودن کافی نیست و حتی گاهی روش صحیح آموزش ارتباط زیادی با توانمندی‌های هنری فرد ندارد.

در بین گفت‌وگوهای همکاران آمده است که در برخی

هنر انعطاف می‌آورد

و این انعطاف است

که صاحب هنر را

وامی دارد تا حق

حیات انسان‌ها را

در همه شئون به

شایستگی و شیوایی

بپذیرد. هنر جوشش

درونی خلاقه‌ای است

که به زیبایی منجر و

منتهی می‌شود

است؛ زیرا هنر از درس و کتاب فراتر می‌رود. هنر انعطاف می‌آورد و این انعطاف است که صاحب هنر را وامی‌دارد تا حق حیات انسان‌ها را در همهٔ شئون به شایستگی و شیوایی بپذیرد. هنر جوشش درونی خلاقه‌ای است که به زیبایی منجر و منتهی می‌شود. فعالیت هنری با انتخابگری همراه است و این انتخابگری درست همان چیزی است که باید در زنگ هنر اتفاق بیفتد و شکل بگیرد؛ حتی اگر به آن به‌عنوان زنگ تفریح و وقت فراغت نگریسته شود.

از چکیدهٔ نظرات همکاران محترم نگاه رئالیستی آنان به هنر استنباط می‌شود. نگاهی که مشکل بزرگ دانش‌آموزان را ضعف در کشیدن درخت و خانه و دسته‌های ده‌تایی می‌داند و این درست همان ضعف بزرگ کتاب هنر فعلی است که با بودنش به این شکل، راه به جایی نخواهیم برد.

زمان

مشکل کمبود زمان برای درس هنر واقعیتی است که نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت. با حذف پایهٔ اول در سال جاری سازماندهی نیروهای هنر در اکثر مناطق آموزش و پرورش به‌درستی انجام نشده است؛ به‌طوری که معلم هنر ۲۴ ساعت موظف را در ۲۴ کلاس تک‌ساعتی تدریس می‌کند و انرژی مضاعف صرف شده عملاً باعث خستگی و فرسودگی او می‌شود.



زمان اختصاص داده شده به هنر پایهٔ دوم و سوم تنها یک ساعت است و این زمان با وجود تعداد حداقل ۳۰ دانش‌آموز در مقایسه با سایر دروس و با توجه به اهمیت هنر و گستردگی شاخه‌های هنری زمان بسیار اندک است. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته دنیا زمانی که به آموزش هنر و تعلیمات اجتماعی اختصاص می‌یابد، بیش از سایر دروس است؛ مثلاً در مدارس ژاپن آموزش هنر شامل کاردستی، موسیقی، هنرهای زیبا و هنرهای محلی جزء دروس اصلی پایهٔ اول ابتدایی تا پایان تحصیلات دورهٔ دوم متوسطه و دارای بالاترین واحدهای درسی است و ساعت‌های زیادی را به خود اختصاص داده است (آقازاده، ۱۳۶۸: ۱۴۰-۱۴۱)

| | |
|--------------|--------|
| ریاضی | ۴ ساعت |
| علوم تجربی | ۴ ساعت |
| علوم اجتماعی | ۳ ساعت |
| هنر | ۱ ساعت |

برخی معتقدند که همیشه زمان زیاد باعث کشف استعدادها و نهفته شدن دانش‌آموزان نمی‌شود و معلم هنر می‌تواند از هر لحظه بهره بگیرد و هر اتفاق خلاقانه را ضبط و زمینهٔ بروز فعالیت‌های خلاق بیشتری را فراهم آورد و به آن‌ها جهت بخشد.

ضمن پذیرش این دیدگاه، این نکته را نیز نمی‌توان انکار کرد که بسیاری از استعدادهای نهفته باید در مرحلهٔ عمل قرار گیرند تا بستر شکوفایی و بروز آن‌ها فراهم شود. در این مورد نیز باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان - که برخاسته از روش‌های تربیتی متفاوت است - توجه خاص کرد و این امر میسر نمی‌شود جز با اختصاص دادن زمان مناسب و امکانات لازم.

معلم هنر تنهاست

در نظام آموزشی دروس دیگر همچون زبان، ریاضی و علوم، معلم تنها مرجع یاددهی نیست؛ چرا که دانش‌آموز پس از خروج از کلاس، فرایند یادگیری را در محیط اطرافش از طریق اولیا، دوستان، تلویزیون، نرم‌افزارها و سایر منابع ادامه می‌دهد ولی در مورد درس هنر این‌گونه نیست. به دلیل این‌که رخدادهای هنری در نگارخانه‌ها و مراکز فرهنگی خلاصه می‌شوند و در سایر اماکن نگاهی عامیانه به مقولهٔ هنر وجود دارد و برخوردی تفننی با آن صورت می‌گیرد. آموزش هنر فقط در کلاس هنر توسط معلم هنر انجام می‌گیرد و تا جلسهٔ بعد هنرجو

هنر از دامان تحول

درونی هنرمند

برمی‌خیزد دوازدهم

ارتقای توقع خلاقیت

در جامعه، بستر ساز

بروز توسعه مؤثر

انسانی می‌شود

نیز گام‌های مؤثری بردارد و در حوزه نظری، برای حفظ موسیقی اصیل و بومی مناطق مختلف کشور عزیزمان - که بخشی از هویت، فرهنگ و میراث گرانبهای گذشتگان است - کاری بایسته انجام دهد و جای خالی موسیقی را به نحوی شایسته پر کند؛ پیش از این که تهاجم فرهنگی بیگانه این بخش را نیز از میان ببرد.

نتیجه

هنر از دامان تحول درونی هنرمند برمی‌خیزد و از مسیر ارتقای توقع خلاقیت در جامعه، بستر ساز بروز توسعه مؤثر انسانی می‌شود.

بر اساس ارزش‌های اسلامی، هنر هرگز نمی‌تواند مقصد سفر تلقی گردد بلکه همواره مرکب سفر است، اما مرکبی راهوار که پیام‌های دین را به مؤثرترین و برانگیزاننده‌ترین شکل ممکن به استحضار قوای شهودی وجود مخاطب می‌رساند و بدین وسیله به رفتارسازی ارزشی دست می‌یازد.

هنر در دانش آموز توانمندی‌هایی را رقم می‌زند که می‌تواند در ارتقای شاخص‌های توسعه همه جانبه انسانی سهمی مؤثر و مستمر داشته باشد و معلم هنر هم باغبان گلستان تربیت است. پس آغاز تحول و جهش را باید در او جست‌وجو کرد که اگر چنین شد، می‌توان به مسیر مطمئن و روشن رشد و تعالی جامعه امیدوار بود.

پی‌نوشت

۱. به دلیل ارتباط عوامل انسانی با نتیجه مقاله - که بیشتر مورد نظر نگارنده است - آن را در اولویت بعدی می‌آورم.
۲. زولتان کودای (zoltan koday) مجارستانی معتقد بود که موسیقی دانش کودک را در بقیه عرصه‌ها بالا می‌برد و به همین دلیل نه تنها فرهنگ پایه‌ریزی می‌شود، بلکه توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک به سزنده‌ترین و مفیدترین شکل مورد تأکید قرار می‌گیرند.
- سن سانس، یکی از برجسته‌ترین آهنگ‌سازان کلاسیک فرانسه، موسیقی را زبان واقعی جهانی و وسیله‌ای برای ایجاد تفاهم میان مردم می‌داند. هانس آیسلر نیز می‌گوید: «کسانی که موسیقی را صرفاً برای موسیقی کار می‌کنند، از خود موسیقی نیز چیزی نخواهند فهمید.»

منابع

۱. آقازاده، احمد؛ آموزش و پرورش تطبیقی، انتشارات دانشگاه پیام نور، مهر ۱۳۶۸.
۲. قاسم‌زادگان، حمید؛ «تخصص، گمشده درس هنر»، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۲ زمستان ۹۱.
۳. مجموعه مقالات برگزیده همایش سراسری هنر و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. نشر تمرین، چاپ بهار ۱۳۹۱.
۴. سخنرانی استاد تقی‌زاده در حاشیه نمایشگاه آثار تجسمی دانشجویان مراکز تربیت معلم مشهد، اردیبهشت ۸۹.

منبع اصولی دیگری در اختیار ندارد. حتی رسانه ملی نیز می‌تواند در جهت رشد و تقویت سیستم بصری دانش‌آموزان گام بردارد و جوابگوی روحیه هنردوست مردم باشد. لازم به توضیح است که مطالب مطرح شده درخصوص آموزش عمومی هنر و به عبارتی، دروس اجباری است.

کاری که به سرانجام نمی‌رسد

بنا بر این قرار می‌دهیم که آموزش عمومی هنر در حال حاضر به دور از تمام موانع و مشکلات ذکر شده تا پایان دوره راهنمایی انجام می‌پذیرد. در اینجا این سؤال مهم پیش می‌آید که چرا در مقطع متوسطه این فرایند طی نمی‌شود و درست زمانی که هنر باید اثرگذاری مطلوبی داشته باشد، از دروس عمومی حذف می‌گردد و به هنرستان‌ها اختصاص می‌یابد. این در حالی است که در سایر کشورها تقویت حس زیبایی‌شناسی، نگاه خلاقانه و نهایتاً توسعه درک هنری دانش‌آموزان جزء جدانشدنی دروس در هر مقطع تحصیلی است.

پس اگر بخواهیم هدف «تربیت زیبایی‌شناسی و تکوین ساحت هنری» را - که از آن به‌عنوان چشم‌انداز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مجموعه مقالات: ۸۱) نام برده شده است - تحقق بخشیم، می‌بایست آموزش هنر حداقل تا پایان دوره متوسطه در کنار سایر دروس عمومی استمرار یابد و به سرانجام برسد. تنها در این صورت می‌توانیم زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به این مهم را فراهم آوریم.

جای خالی موسیقی

آنجا که سخن باز می‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود. در چند سال اخیر تحولات خوبی در حوزه آموزش‌های کودکان اتفاق افتاده است. در این میان، «آموزشگاه‌های آزاد هنر کودکان» از جمله مراکزی هستند که مورد توجه خانواده‌ها قرار گرفته‌اند. حتی این نیاز و تقاضا، مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی را نیز وادار کرده است که به این بخش از کار خود نگاهی تخصصی و ویژه داشته باشند. در این بین، موسیقی کودکان نیز با رویکرد آموزشی (موسیقی نه برای موسیقی)^۲ مورد توجه خاص قرار گرفته است.

با توجه به تأثیر شگرف موسیقی در رشد خلاقیت ذهنی کودکان، به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که آموزش و پرورش، به‌عنوان پرچم‌دار تعلیم و تربیت خلاق، با حفظ کامل ارزش‌های دینی و معنوی در این بخش

هنر در دانش آموز
توانمندی‌هایی را رقم
می‌زند که می‌تواند در
ارتقای شاخص‌های
توسعه همه جانبه
انسانی سهمی مؤثر و
مستمر داشته باشد و
معلم هنر هم باغبان
گلستان تربیت است